



شرایط ایران به قبل از بهمن ۱۳۵۷ باز نمی‌گردد

نهیضت آزادی ایران در پی اعتراضات اخیر بیانیه منتشر کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «نهیضت آزادی ایران... حاکمیت را به شکبایی، توجه به اعتراضات مردم و پرهیز از هرگونه رفتار خشونت‌آمیز و سرکوب‌گرانه فرا می‌خواند. نهیضت آزادی ایران باور دارد که شرایط ایران هرگز به قبل از بهمن ۱۳۵۷ باز نمی‌گردد و تبلیغات واهی جریانات واپس‌گرا، نوک کوه یخی است که عمق آن در تحولاتی از سنخ کودتای اولیگارش‌ی فاسد ثروت و قدرت رقم خواهد خورد. از این رو، هم به حاکمیت، هم به محافظه‌کاران خردگرا و هم به مردم یادآوری می‌کند که از هرگونه اقدام یا شعاری که به گسترش آتش خشونت می‌انجامد، احتراز کنند.» همچنین در این بیانیه آمده است: «نهیضت آزادی ایران از دیگر احزاب ملی دموکراسی خواه و اصلاح‌طلب دعوت می‌کند که در شرایط حاد کنونی که جمهوریّت، استقلال و امنیت ملی راستین به محاق رفته است، از یک سو، هم‌صدا علیه دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران اعلام مواضع کنند و از سوی دیگر، حاکمیت را به مجموعه اقدامات و اصلاحات اساسی در عرصه سیاست داخلی و خارجی و درک این موضوع بنیادین قانع سازند که بحران اقتصادی کنونی، در مرحله اول راه‌حل سیاسی دارد و بدون اصلاحات عمیق سیاسی، غلبه بر فقر و فروپاشی سیاسی و اقتصادی و همچنین، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار غیرممکن است.» در ادامه بیانیه آمده است: «نهیضت آزادی ایران یادآوری می‌کند که حاکمان آمریکا عملاً نشان داده‌اند که هیچ اولویتی برای دموکراسی و امنیت مردم در کشورهایی که مداخله سیاسی و نظامی کرده‌اند، قائل نیستند و زمامداران کرملین نیز در وقایع سوریه و ونزوئلا ثابت کرده‌اند که در روز واقعه، تنها دنبال منافع خود هستند و هیچ تعهدی نسبت به حکومت‌هایی ندارند که سالیان متمادی به آنان امتیازات سیاسی و اقتصادی و نظامی داده‌اند. از این رو، تنها به تحولات درون‌زا، دموکراتیک و برآمده از مشارکت ملی ایرانیان باور دارد و نسبت به اظهارات اخیر ترامپ و نتانیاهو که با تصریح بر حضور عوامل موساد در خیابان‌های ایران در صدد القا و زمین‌سازی فضای سرکوب و توجیه خشونت از سوی نهادهای حاکمیتی هستند، سخت مخالف کرده و ابراز می‌دارد که چنین اقداماتی، نتیجه‌ای جز هژمونی نظامی‌گری، نفی کامل جمهوریّت، توقف فرآیند گذار به توسعه و دموکراسی، نقض تمامیت ارضی و ابتلا به منازعات و درگیری‌های وحشت‌آفرین داخلی ندارد. نهیضت آزادی ایران بر اساس پابندی به اصول ملی و تجربه تاریخی و به‌ویژه رفتارشناسی هوشمندانه مردم ایران در روند جنگ ۱۲ روزه تأکید می‌کند که در صورت هرگونه تجاوز نظامی یا مداخله بیگانگانی که در فلسطین، ویتنام، افغانستان، عراق و اینک در ونزوئلا نشان داده‌اند که دغدغه‌ای برای حقوق بشر و دموکراسی قائل نبوده، پرهیزی از نسل‌کشی مردم غیرنظامی و زنان و کودکان بی‌پناه و ابایی از صلح‌سنجیزی و آدم‌ربایی ندارند و به منشور ملل متحد پای‌بند نیستند، با وجود اختلافات، همبستگی خود را در راستای منافع ملی و دفاع از کیان کشور تا دفع مجاوز بیگانه حفظ خواهند کرد. نهیضت آزادی ایران یادآوری می‌کند که اعلام مواضع مشترک از سوی احزاب، شخصیت‌های سیاسی و نهادهای مدنی و صنفی مبتنی بر تعیین مسئولانه فضایی جهت برگزاری تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز، کاهش فضای امنیتی و پرهیز از اقداماتی مانند اختلال اینترنت در عرصه سیاست داخلی [...] و تأکید بر مذاکرات بدون پیش‌شرط، از جمله اقداماتی است که در کام‌نخست، می‌توانند در جهت ایجاد آرامش نسبی و پدید آمدن فرصتی برای به دست گرفتن ابتکار عمل در عرصه سیاست خارجی و عبور از بحران کنونی مؤثر باشد.»

اعتراض و بازداشت دانشجویان

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران از آزادی یکی از دودانشجویی که شب دوشنبه از بازداشت آنها خبر داده بود، به نام احسان مسعودی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۳ کارشناسی زیست‌شناسی در بعدازظهر دیروز خبر داد. این انجمن دانشجویی همچنین خبر داده است که «علیرضا رسولی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۳ رشته شیمی محض، از یکشنبه شب بازداشت شده و از وضعیت و نهاد بازداشت‌کننده وی خبری نیست. علیرضا طاهری کیا، دانشجوی ورودی ۱۴۰۴ کارگرنی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و از وضعیت و نهاد بازداشت‌کننده او خبری نیست.»

سیاست

POLITICS

۴

جریان
شناسی

شکاف اصلی کجاست؟

ارزیابی تحلیلگران از محور آرایش سیاسی پس از جنگ ۱۲ روزه

کتکس- جماران



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

یکی از مسائلی که در جامعه‌شناسی سیاسی جایگاه مهمی را دارد، بحث شکاف‌هایی است که بین جامعه و سیستم سیاسی ایجاد می‌شود؛ شکاف‌هایی که اگر مورد توجه قرار نگیرد می‌تواند با انباشته شدن مسائل، تبدیل به بحرانی بزرگ شود؛ شکاف‌هایی که باید جدی گرفته شوند و نمی‌توان به سادگی از کنار آنها عبور کرد؛ ماجرابی که در ایران معاصر نیز قابل مشاهده است و نمی‌توان انکار کرد که شکاف بین سیستم سیاسی و جامعه سال‌هاست وجود دارد. نمونه آشکار وجود شکاف در بین مردم و سیستم سیاسی را می‌توان در موضوع انتخابات دید؛ اینکه میزان مشارکت در انتخابات‌های اخیر به کمترین میزان‌های تاریخ جمهوری اسلامی ایران رسیده است و مهم‌تر اینکه این شکاف‌ها در مقاطعی منجر به این شده که اعتراضاتی در جامعه صورت گرفته و این اعتراضات به کف خیابان هم کشیده شده است.

شکاف‌ها در ایران

همانطور که اشاره شد، در ایران شکاف‌های وجود دارد که غیرقابل کتمان است و سال‌ها فضای سیاسی و اجتماعی ایران دچار این شکاف‌ها شده است؛ به گونه‌ای که به وضوح هم در بین سیستم سیاسی و مردم این شکاف دیده می‌شود و هم می‌توان آن را در بین نیروهای سیاسی و اجتماعی مشاهده کرد؛ شکاف‌هایی که از دل آن هرچند وقت یکبار اعتراضاتی بیرون آمده و خود را به نمایش می‌گذارد. درباره آنها سخن زیاد گفته شده است و هشدارهایی صادر شده اما اینطور به نظر می‌رسد که یا گوش شنوایی وجود نداشته و یا اینکه عواملی دخیل است که این شکاف‌ها پر نشود.

برای مثال درباره هشدارهایی که داده شده، می‌توان به مواردی اشاره کرد که به فاصله یک دهه توسط سعید معیدفر به آنها اشاره شده است. او اسفند ۹۲ در مصاحبه‌ای با ماهنامه صنعت و توسعه با اشاره به پایان دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، می‌گوید: «جامعه ایران ۸ سال آکنده از نزاع را تجربه کرده است؛ وضعیتی که مردم را در یک قطب و دولت را در قطب دیگر قرار می‌داد. در این مدت شکاف بین دولت و ملت به اوج رسید و روزبه‌روز افزون و افزون‌تر شد. یعنی اگر در دولت‌های قبلی شکاف بین ملت و دولت ناشی از تفاوت سرعت تغییرات در دولت و جامعه بود اما در ۸ سال گذشته دولت به یک سمت حرکت می‌کرد و جامعه به سمتی دیگر. شکاف بین دولت و ملت در ۸ سال گذشته بزرگ‌ترین فاجعه‌ای بود که می‌توانست برای جامعه رخ دهد.»

او یازده سال بعد، یعنی در دی‌ماه ۱۳۹۳ در مصاحبه دیگری که دارد اشاره می‌کند که این شکاف‌ها نه‌تنها ترمیم نشده، بلکه گسترده‌تر هم شده است. او به جماران

می‌گوید: «در سال‌های اخیر هر چه جلوتر آمدیم، شکاف بین مردم و حاکمیت افزایش یافته است. این ناشی از این می‌شود که رفته‌رفته از منویات مردم فاصله گرفته شده است... اینکه از یک سمت بخش زیادی از جوانان مهاجرت می‌کنند و از سمت دیگر مردمی که می‌مانند، با مصیبت‌های فراوان درگیرند، همه نشان می‌دهد مزیت‌های این سرزمین از دست رفته است. این‌ها همه نشانه‌های شکاف بین حاکمیت و مردم است.» کافی است نگاهی به سیر اعتراضات سه دهه اخیر در ایران داشته باشیم تا گوشه‌ای از آن شکاف‌ها را مشاهده کنیم؛ شکاف‌هایی که به آنها توجه نشد تا پله‌پله در مراحل بعد کار سخت‌تر شود:

► **سال ۱۳۷۸** - دو سال بود که جامعه توانسته بود از طریق صندوق رای به یکی از خواسته‌های مهم خود برسد و دولتی را برای تغییر روی کار بیاورد. دموکراسی نسبی حاصل شده بود اما یک رکن آن ایراد پیدا کرده بود. در ماجرای کوی دانشگاه اعتراضات پیرامون مطبوعات آزاد به عنوان رکن چهارم دموکراسی بود.

► **سال ۱۳۸۸** - رکن چهارم دموکراسی محقق نشد، دولتی روی کار آمد که مسیری برخلاف چیزی را می‌رفت که دولت اصلاحات شروع کرده بود. انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری از راه رسید و وقایعی پس از آن به وقوع پیوست که جامعه به نقطه مطالبه پایه‌های اولیه دموکراسی رسید. به عبارتی جامعه بی‌خیال رکن چهارم دموکراسی شد و سراغ اصل دموکراسی رفت.

► **سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸** - جامعه‌ای که ابتدا درباره رکن چهارم سپس دموکراسی به شکاف با سیستم سیاسی خورده بود، این‌بار مطالبه‌اش به سمت و سوی اقتصاد رفت و سراغ از این گرفتند که معیشت چه می‌شود. ► **سال ۱۴۰۱** - پس از اینکه شکاف‌ها در سه مقطع قبلی بر جای خود باقی ماند و نارضایتی‌ها روی هم تلنبار شد، در سال ۱۴۰۱ موضوع اجتماعی به میان آمد. به عبارت دیگر جامعه‌ای که سیاست و اقتصادش دچار ایراد بود، در بحث جامعه مطالبه‌گر شد.

▼ و اینک ۱۴۰۴

با رسیدن سال ۱۴۰۴، آنطور که مشخص است همچنان شکاف‌ها باقی مانده است؛ چنانچه اعتراضاتی در شهرهای مختلف ایران صورت گرفته و دولت نیز به صراحت اعلام کرده که این اعتراضات بحق است و قرار بر این است که با معترضان به گفت‌وگو بنشینند. اما موضوعی که درباره سال جاری وجود دارد این است که امسال علاوه بر مسائل داخلی، کشور با بحث دشمن خارجی نیز مواجه شده است و پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، همچنان بحث درباره جنگ وجود دارد.

در چنین فضایی که هم جامعه مطالبه دارد و هم بحث دشمن خارجی مطرح است، سوالی که وجود دارد این است که چگونه می‌توان مانع از بیشتر شدن این شکاف‌ها شد و اگر چنین امکانی وجود داشته باشد و اگر قرار بر این باشد که حداقل پیرامون یک موضوع متحد شد،

آن موضوع چه چیزی باید باشد؟ آیا باید بر روی مسائل داخلی مانند موضوع اقتصاد و معیشت تمرکز کرد و یا اینکه روی موضوع تهدید خارجی و جنگ تمرکز شود؟ آیا می‌توان این شکاف‌ها را با در نظر گرفتن یک موضوع مشترک پر کرد؟ موضوعی که موافقان و مخالف‌هایی دارد. محمدرضا جلالی‌پور، فعال سیاسی از آن دست افرادی است که می‌گوید برخی از این شکاف‌ها را می‌توان فعلاً نادیده گرفت و کنار گذاشت. او که معتقد است باید پیرامون تهدیدهای خارجی آرایش گرفت، می‌نویسد: «هر نیرویی به خاطر اولویتی که برای امنیت و یکپارچگی و مصالح ملی در شرایط تشدید تهدیدهای وجودی علیه ایران قائل است، علی‌رغم همه نقدها و نارضایتی‌هایش، دندان بر جگر می‌گذارد و دغدغه اصلی‌اش کاهش التهابات و شکاف‌های داخلی و کمک به افزایش ظرفیت حل مسائل و تقویت استقامت ملی می‌شود، و نه تشدید التهابات و پاس گل به ایران‌ستیزان.»

▼ صادق زیباکلام: نمی‌شود همه گروه‌ها پیرامون یک موضوع نظر واحدی داشته باشند

اما در مقابل، صادق زیباکلام در دسته افرادی قرار دارد که نظر دیگری را ارائه می‌دهد. این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگویی که با خبرنگار هم‌میهن داشت درباره این موضوع می‌گوید: «من وجود شکاف به آن معنا را قبول ندارم اما چیز دیگری که اتفاق افتاده و باید به آن اشاره شود، این است که ما در جامعه‌مان به واسطه بن‌بست سیاسی که در آن قرار گرفته‌ایم، با مشکلات، دشواری‌ها و ناهنجاری‌های زیادی روبه‌رو شده‌ایم. از جمله مثال‌هایی که می‌توان در ارتباط با این موضوع زد این است که سرمایه اجتماعی در جامعه ما عملاً دچار فروپاشی شده است؛ موضوعی که در سال‌های اخیر بیشتر از قبل مشاهده می‌شود.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «یعنی خیلی از گروه‌های اجتماعی که وجود داشته و دارند بعضی از آنها به عنوان گروه‌های مرجع یاد می‌شود، اعتبارشان در مقایسه با اعتباری که در سال‌های قبل داشته‌اند، کاهش پیدا کرده است. از جمله این گروه‌ها که دچار چنین وضعیتی شده‌اند، می‌توان به روحانیت، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و حتی دانشگاهیان، سیاستمداران و کنشگران سیاسی و اجتماعی اشاره کرد که همه به یک نحوی مورد شک و تردید قرار گرفته‌اند. یا اینکه مثلاً گفته می‌شود که فلائی از خودشان است و یا فلائی وابسته به سیستم است.»

این استاد علوم سیاسی همچنین می‌گوید: «بی‌اعتمادی به کنش سیاسی، امر بسیار نامطلوبی است که متأسفانه در جامعه ما به وجود آمده است. البته باید به مردم حق داد که این بی‌اعتمادی در آنها تا این میزان ریشه پیدا کرده است. نمونه بارز این بی‌اعتمادی را در بحث انتخابات می‌توان مشاهده کرد. یک زمانی بود که بالای ۶۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت می‌کردند اما با توجه به اینکه بخش‌های انتخابی عملاً نشان دادند که توانمندی برای تغییر و تحول ندارند، به آنجا رسیدیم که